



نویسنده: میرون راپوپورت «Meron Rapoport»
منبع و تاریخ نشر: انتی وار «2025-06-27»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

«پیروزی» سرخوشانه اسرائیل بر ایران به سرعت جای خود را به سرخوردگی می‌دهد

*Israel's euphoric 'victory' over Iran is
quickly giving way to disillusionment*

از نظر سیاسی، نتانیا هو ممکن است برنده «جنگ ۱۲ روزه» به نظر برسد .
اما اسرائیل به هیچ یک از اهداف نظامی خود دست نیافت و غزه را
نمی‌توان نادیده گرفت .

*Politically, Netanyahu may appear the winner of the '12-Day
War.' But Israel achieved none of its military goals, and
Gaza is impossible to ignore.*



بنیا مین نتانیا هو، نخست وزیر اسرائیل ، در تاریخ ۲۰ ژوئن ۲۰۲۵ ، از محل اصابت
موشک بالستیک ایرانی و خسارات وارده به موسسه وایزمن در رخوت بازدید میکند
(ایتای ران/پول)

In partnership with

LOCAL CALL

שיחה מקומית

آیا می‌توانیم بگوییم که این بزرگترین پیروزی در تاریخ کشور اسرائیل است؟ این سوالی بود که مجری کانال (12) اسرائیل از ژنرال بازنشسته ارتش اسرائیل، **گیورا ایلاند** - پدر طرح موسوم به «طرح ژنرال‌ها» برای گرسنگی دادن و پاکسازی قومی شمالی‌ترین شهرهای غزه - حدود دو ساعت پس از اجرای آتش‌بس بین اسرائیل و ایران در ۲۴ ژوئن پرسید. **ایلاند** متواضع بود. او به مجری اطمینان داد که پیروزی در جنگ ۱۹۶۷ بزرگتر بود، اما این قطعاً یک دستاورد عظیم بود.

من به عنوان کسی که به اندازه کافی مسن هستم که سرخوشی پس از جنگ ۱۹۶۷ را به یاد بیاورم، نمی‌توانم پژوهش‌های بین‌جنگ شش روزه و این «جنگ ۱۲ روزه» با ایران را انکار کنم: همان آسودگی جمعی که ظاهراً یک تهدید وجودی فرضی از بین رفته بود، همان تحقیر و تمسخر نسبت به عملکرد دشمن، همان غرور بیش از حد به قدرت نظامی اسرائیل - همراه با این باور که چنین پیروزی آینده‌کشور را برای دهه‌های آینده تضمین می‌کند.

اما همان‌طور که تاریخ به ما یادآوری می‌کند، جنگ ژوئن ۱۹۶۷ آخرین جنگ اسرائیل نبود. به هیچ وجه. از بسیاری جهات، این آغاز دوران جدیدی از خونریزی بود. جنگ فعلی در غزه، و شاید جنگ با ایران نیز، را می‌توان ادامه‌ی مستقیم آن «پیروزی باشکوه» دانست.

+972
MAGAZINE

The journalism the world needs
between the river and the sea
Independent | Binational | Uncompromising

Support +972 Magazine
Become a **member** today



سال‌ها پس از سال ۱۹۶۷ طول کشید تا اسرائیلی‌ها بفهمند که جنگ، تحولی را که انتظار داشتند، به همراه نداشته است. این بار، سرخوردگی تقریباً بلافاصله آغاز شد. تنها چند ساعت پس از اعلام ناگهانی آتش‌بس توسط دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، از قبل مشخص بود که پیروزی بر ایران بعید است به درگیری اسرائیل با جمهوری اسلامی پایان دهد، چه برسد به تمام جنگ‌های آینده آن.

در ساعات اولیه صبح یکشنبه، درست پس از حمله ایالات متحده به سایت‌های هسته‌ای ایران، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، اعلام کرد: «من به شما قول داده بودم که تأسیسات هسته‌ای ایران به هر طریقی نابود خواهد شد. این وعده محقق شده است.» ترامپ در یک سخنرانی تلویزیونی، این احساس را تکرار کرد و ادعا کرد که این سایت‌ها در حمله هوایی شنبه شب «کاملاً نابود» شده‌اند.

در همین حال، ایرانی‌ها در پاسخ گفتند که قبل از حمله، بیشتر اورانیوم غنی‌شده را از فردو خارج کرده‌اند، در حالی که گزارش سی‌ان‌ان به نقل از منابع اطلاعاتی ایالات متحده فاش کرد که این حمله احتمالاً در بهترین حالت «چند ماه» برنامه هسته‌ای ایران را به تأخیر انداخته است. با توجه به اینکه هدف اعلام‌شده جنگ، از بین بردن تهدید فوری بمب هسته‌ای ایران بود - و اینکه اطلاعات ایالات متحده هرگز باور نداشت که ایران به تولید بمب نزدیک شده باشد - به سختی می‌توان ادعا کرد که این هدف محقق شده است.



پیت هگرتز، وزیر دفاع ایالات متحده، و ژنرال دن کین، رئیس ستاد مشترک ارتش، در حال برگزاری یک نشست خبری در پنتاگون، واشنگتن دی سی، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۵. (عکس از کاشف بشارت/وزارت دفاع)

«طعم تلخ» جنگ

یکی دیگر از نشانه‌های سوال برانگیز در مورد تأثیر جنگ بر بازدارندگی اسرائیل در خاورمیانه است. از یک سو، ارتش اسرائیل به وضوح برتری قاطع خود را نشان داد: بدون مانع بر فراز حریم هوایی ایران پرواز کرد، اطلاعات دقیقی از محل اختفای مقامات ارشد دفاعی و دانشمندان هسته‌ای ایران داشت و حملات هدفمند را با دقت قابل توجهی انجام داد. قابلیت‌های عملیاتی و فناوری آن کاملاً در معرض نمایش بود.

اسرائیل همچنین ثابت کرد که می‌تواند به عنوان قلدر همسایه منطقه عمل کند - نادیده گرفتن قوانین بین‌المللی، دور زدن مذاکرات جاری بین ایران و دولت ترامپ - در حالی که همچنان از حمایت بی‌دریغ غرب، به ویژه واشنگتن، برخوردار است.

اما در حالی که موفقیت نتانياهو در کشاندن ایالات متحده به جنگی که خود آغازگر آن بود، بدون شک تصویر اسرائیل را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای تقویت کرد، نادیده گرفتن میزان بازدارندگی که ایران توانست ایجاد کند، اشتباه خواهد بود.

از سال ۱۹۴۸، شهرهای بزرگ اسرائیل هرگز با تهدید پایداری که در طول این جنگ تجربه شد، روبرو نشده‌اند: چندین ساختمان به ویرانه تبدیل شدند؛ ۲۵ ساختمان دیگر به دلیل آسیب‌های ساختاری در معرض تخریب قرار گرفتند؛ ۲۹ غیرنظامی اسرائیلی کشته شدند؛ نزدیک به ۱۰ هزار نفر بی‌خانمان شدند؛ بیش از ۴۰ هزار درخواست غرامت به اداره مالیات بر دارایی ارائه شد؛ خیابان‌های شهر خالی شد؛ و فعالیت اقتصادی به طور کامل متوقف شد. ۷ اکتبر وحشتناک بود، اما تا حد زیادی توسط اسرائیلی‌ها به عنوان یک فاجعه منحصر به فرد درک شد. با این حال، جنگ ۱۲ روزه با ایران، حس امنیت دیرینه آنها را از بین برد. میلیون‌ها نفر احساس کردند که این مصونیت شروع به ترک خوردن کرده است.

ایران نشان داد که با وجود دفاع پیشرفته اسرائیل، جبهه داخلی آن هنوز آسیب‌پذیر است. تصاویر ویرانی از تل آویو، بت یام و بت السبع شبیه صحنه‌هایی از غزه بود - و این تصاویر به طور گسترده در سراسر منطقه، حتی توسط کسانی که لزوماً از رژیم ایران حمایت نمی‌کنند، منتشر شد. حتی اگر اکثر اسرائیلی‌ها احساس کنند که رنج " ارزش هزینه" وارد کردن ضربه بزرگی به ایران را داشته است، تقلا مداوم برای رفتن به پناهگاه‌ها، شب‌های بی‌خوابی و سردرگمی روزانه، عوارض روانی ماندگاری بر جای گذاشته است. اگر درگیری دوباره شعله‌ور شود، بعید است که اسرائیلی‌ها با همان خونسردی به آن نزدیک شوند.



نیروهای فرماندهی جبهه داخلی در صحنه‌ای که یک موشک بالستیک شلیک شده از ایران به بات یام، مرکز اسرائیل، برخورد کرد و خساراتی به بار آورد، ۵ اژوئن ۲۰۲۵. (چیم گلدبرگ/فلش ۹۰)

مشخص است که نتانياهو و رهبری اسرائیل به دنبال یک رویارویی طولانی با ایران نبودند - دقیقاً به این دلیل که این امر روایت "پیروزی کامل" را که در روزهای اولیه کمپین غالب بود، تضعیف می‌کرد. این احتمالاً توضیح می‌دهد که چرا بلافاصله پس از حمله ایالات متحده به سایت‌های هسته‌ای ایران، اکثر مفسران و تحلیلگران اسرائیلی شروع به صحبت از "جمع‌بندی داستان" در عرض چند روز کردند.

با این حال، حتی در این رویارویی محدود ۱۲ روزه، اسرائیل به اهداف اعلام شده خود دست نیافت. نتانیا هو در یک کنفرانس مطبوعاتی اندکی پس از شروع حمله، سه هدف را تعیین کرد: برچیدن برنامه هسته‌ای ایران، از بین بردن قابلیت‌های موشک‌های بالستیک آن و قطع حمایت آن از "محور ترور". اسرائیل کا تر ، وزیر دفاع، حتی پارا فراتر گذاشت و اظهار داشت که یکی از اهداف اسرائیل ترور آیت‌الله علی خامنه‌ای بود - در واقع، برای ایجاد تغییر رژیم.

آن هدف "پایان بازی" محقق نشد. در واقع، اگرچه جزئیات توافق آتش‌بس ترامپ و تهران همچنان مبهم است، اما آنچه واضح است این است که هیچ یک از سه هدف نتانیا هو محقق نشده است. ایران عجله‌ای برای بازگشت به مذاکرات هسته‌ای ندارد و واشنگتن را به دوگانگی با درگیر شدن در دیپلماسی و در عین حال دادن چراغ سبز به حملات اسرائیل متهم می‌کند. هیچ محدودیتی بر زرادخانه موشکی رو به گسترش ایران که ایال زمیر، رئیس ستاد ارتش اسرائیل، آن را دلیل اصلی «حمله پیشگیرانه» ذکر کرد، اعمال نشده است. و هیچ کاهشی در حمایت ایران از به اصطلاح «حلقه آتش» - شبکه منطقه‌ای از نیروهای نیابتی که اسرائیل را احاطه کرده‌اند - وجود ندارد.

اگر اسرائیل از نظر دیپلماتیک به عنوان قدرت نطا می برتر ظهور کرده باشد، به نظر می‌رسد که دستاورد کمی داشته است، اگر اصلاً دستاوردی داشته باشد. این نتیجه نباید تعجب‌آور باشد: از زمان آغاز جنگ غزه، نتانیا هو تا حد زیادی تلاش‌ها برای تعیین اهداف دیپلماتیک روشن برای اقدام نظامی را کنار گذاشته و در عوض به زور به عنوان تنها ابزار سیاست، از غزه و لبنان گرفته تا سوریه و اکنون ایران، تکیه کرده است.

این جبهه جدید بار دیگر محدودیت‌های این رویکرد را آشکار کرده است. از روز اول، ایران اعلام کرد که زیر آتش مذاکره نخواهد کرد و قبل از هرگونه بازگشت به مذاکرات هسته‌ای، خواستار آتش‌بس شد. اسرائیل امتناع ورزید و به نظر می‌رسد نتانیا هو همان استراتژی را که قبلاً برای حماس در نظر گرفته شده بود، اعمال می‌کند: مذاکره فقط زیر آتش. با این حال، در نهایت، آتش‌بس بدون هیچ پیش‌شرطی (معلوم) اعلام شد، دقیقاً همانطور که ایران خواسته بود.

شکاف بین «اهداف» بلندپروازانه و «دستاوردهای» دست نیافتنی‌تر، حداقل در جناح راست اسرائیل، در حال حاضر ناامیدی ایجاد می‌کند. بزلال اسموتریچ، وزیر دارایی، «طعم تلخ» را در کنار «پیروزی قاطع» توصیف کرد. بنی سبتی، تحلیلگر اسرائیلی متولد ایران که در طول جنگ به صدای برجسته‌ای در میزگردهای خبری اسرائیل تبدیل شده است، توییت کرد که «آتش‌بس در میان شلیک مداوم موشک و تلفات، تصمیمی غیرمنطقی است. ایران قوی‌تر ظاهر خواهد شد.»



بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، در ۱۱ ژانویه ۲۰۲۳، در دفتر نخست وزیری در اورشلیم، در یک کنفرانس مطبوعاتی به همراه بزالل اسموتریچ، وزیر دارایی، شرکت می‌کند (Olivier Fitoussi/Flash90)

بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، در ۱۱ ژانویه ۲۰۲۳، در دفتر نخست وزیری در اورشلیم، کنفرانس مطبوعاتی با وزیر دارایی اسرائیل، بزالل اسموتریچ، برگزار می‌کند. (اولیویه فیتوسی/فلش ۹۰) حتی کودتای دیپلماتیک آشکار نتانیاهو در کشاندن ارتش ایالات متحده به جنگی که اسرائیل آغازگر آن بود، اکنون مورد ارزیابی مجدد قرار گرفته است. همین چند روز پیش، این اقدام به عنوان یک پیروزی شخصی برای نخست وزیر اسرائیل مورد ستایش قرار گرفت، به طوری که آریه دری، نماینده مجلس، ترامپ را "پیامبر خدا برای قوم یهود" نامید. اما با تکیه بر ایالات متحده برای وارد کردن ضربه نهایی به فردو، اسرائیل عملاً تا حدی کنترل اوضاع را واگذار کرد و این یادآوری آشکار را به همراه داشت که ترامپ هنوز حرف آخر را می‌زند. پس از آنکه ایران سه ساعت پس از آتش‌بس، موشکی شلیک کرد، اسرائیل هواپیماهای جنگی خود را برای تلافی فرستاد. اما از آنجایی که آنها در مسیر خود بودند، ترامپ علناً در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی Truth Social به اسرائیل هشدار داد که "آن بمب‌ها را نیندازید" و هواپیماها را مجبور به بازگشت کرد.

یک ترمیم سیاسی؟ در ظاهر، به نظر می‌رسد نتانیاهو برنده بزرگ این جنگ در اسرائیل است. حتی سرسخت‌ترین منتقدان او در رسانه‌ها نیز به او اعتبار موفقیت نظامی داده‌اند، چه برسد به هوادارانش که دوباره به صحبت کردن در مورد او با عباراتی تقریباً الهی بازگشته‌اند. به نظر می‌رسد خود او دوباره متولد شده است: مصاحبه می‌کند، از سایت‌های اصابت موشک بازدید می‌کند، با مردم فلافل می‌خورد - حرکاتی که از زمان آغاز اصلاحات قضایی خود و قطعاً از 7 اکتبر تقریباً کنار گذاشته بود. جای تعجب نیست که گمانه‌زنی‌هایی در رسانه‌ها در حال پخش است مبنی بر اینکه او ممکن است برای بهره‌برداری از شکوه تازه یافته خود، انتخابات زودهنگام برگزار کند.

اما نظرسنجی‌های منتشر شده از زمان حمله اولیه اسرائیل به ایران، برای نتانیاهو کمتر از آنچه انتظار می‌رود دلگرم‌کننده بوده است. لیکود تا حدودی به پیروزی رسیده است، اما بلوک ائتلاف راست‌گرا همچنان در 50 کرسی پیش‌بینی شده کنست گیر کرده

است - که برای جلوگیری از تشکیل دولت توسط مخالفان کافی نیست . یک توضیح احتمالی این است که خلبانان نیروی هوایی و افسران اطلاعاتی، دو گروهی که شاید بیشترین ارتباط را با جنبش اعتراضی ضد نتانياهو دارند، به عنوان قهرمانان واقعی جنگ ظاهر شده‌اند. دلیل اصلی انتخاب این لحظه برای شروع جنگ با ایران توسط نتانياهو، محو کردن غزه از دید عموم بود: اینکه مردم شکست او در نابودی حماس را فراموش کنند؛ گروگان‌هایی را که هنوز در اسارت هستند فراموش کنند؛ خشم فزاینده بین‌المللی از تصاویر وحشتناکی که از نوار غزه منتشر می‌شود را فراموش کنند؛ ناامیدی فزاینده داخلی از جنگ را فراموش کنند؛ و فراموش کنند که طرح هولناک برای راندن فلسطینی‌ها به جنوب غزه در آماده‌سازی برای اخراج، متوقف شده و دستاوردی جز تیر اندازی به غیرنظامیان گرسنه‌ای که در صف غذا منتظرند، نداشته است.

اما اکنون که جنگ با ایران تمام شده است، غزه بار دیگر غیرقابل چشم‌پوشی است. هر اسرائیلی که به یادآوری نیاز داشت، مجبور نبود مدت زیادی منتظر بماند: در ۲۵ ژوئن، هفت سرباز توسط یک بمب کنار جاده‌ای در خان یونس کشته شدند. و برخلاف امیدهای نتانياهو، فشار برای پایان دادن به جنگ در غزه احتمالاً تشدید خواهد شد.



معرضان در خیابان‌های حيفا راهپیمایی می‌کنند و خواستار پایان جنگ اسرائیل علیه غزه هستند، ۳۱ مه ۲۰۲۵. (یاهل گزیت)

حتی پیش از حادثه مرگبار خان یونس، احساس خستگی و ناامیدی محسوسی در میان سربازان اسرائیلی که در غزه خدمت می‌کردند، به ویژه نیروهای ذخیره، وجود داشت. جنگ با ایران در واقع ممکن است این باور رو به رشد را در میان اسرائیلی‌ها تقویت کند که اگر این کشور می‌تواند با موفقیت با تهدیدی که ظاهراً وجودی است مانند برنامه هسته‌ای ایران مقابله کند، مطمئناً می‌تواند چالش بسیار کوچک‌تری مانند حماس را مدیریت کند و در ازای آزادی همه گروگان‌ها به توافقی برای پایان دادن به جنگ دست یابد. در واقع، «انجمن خانواده‌های گروگان‌ها و مفقودین»، گروه اصلی نماینده خانواده‌های اسرائیلی‌هایی که هنوز در غزه اسیر هستند، بدون اتلاف وقت این ارتباط را برقرار کرد. این انجمن پس از آتش‌بس در بیانیه‌ای اعلام کرد: «هر کسی که بتواند با ایران آتش‌بس برقرار کند، می‌تواند جنگ غزه را نیز پایان دهد.»

هنوز مشخص نیست که آیا ترامپ اکنون برای تقویت تصویر خود به عنوان یک صلح‌طلب، برای پایان دادن به جنگ غزه تلاش خواهد کرد یا خیر. اما اگر او در این مسیر حرکت کند، مقاومت در برابر آن برای نتانياهو بسیار دشوارتر خواهد بود، به خصوص

پس از اینکه عملاً کلید پایان دادن به جنگ با ایران را به ترامپ داده است. خشم و عصبانیت استیو بنن، چهره سرشناس MAGA، که نتانیاهو را به خاطر نقض آتش‌بس میانجی‌گری شده توسط ترامپ «دروغگوی بی‌شرمانه» خواند، یک نشانه هشدار اولیه است. و کشورهای اروپایی، که بسیاری از آنها در طول جنگ ایران از اسرائیل به دلیل واکنش غریزی غرب در برابر شرق حمایت کردند، اکنون ممکن است تهدیدهای خود را برای تحریم اسرائیل تشدید کنند، مگر اینکه «به رنج در غزه پایان دهد» و شاید حتی به آنها عمل کند.

بیش از 30 سال است که «تهدید وجودی» از سوی ایران - و این ادعا که فقط او می‌تواند آن را خنثی کند - یکی از قدرتمندترین کارت‌های سیاسی نتانیاهو بوده است. اما اکنون او این بازی را انجام داده است. و بازی دوباره آسان نخواهد بود. او نمی‌تواند در آینده نزدیک به طور موثق ادعا کند که ایران در آستانه ساخت بمب است، بدون اینکه همان «پیروزی قاطعی» را که در تلویزیون زنده جشن گرفت، تضعیف کند.

این باعث می‌شود پاکسازی قومی در غزه و الحاق کرانه باختری به عنوان دستور کار باقی‌مانده نتانیاهو باقی بماند. اما از نظر سیاسی، این کارت‌ها بسیار ضعیف‌تر هستند، به خصوص اگر به تنهایی و بدون شبح «محور شرارت» ایران، پا برجا بمانند.

بدون یک کارت قوی برای بازی، نتانیاهو ممکن است به این نتیجه برسد که یک توافق جامع در مورد غزه - همانطور که اخیراً توسط گیلاد اردان، سفیر سابق در واشنگتن و از وفاداران قدیمی نتانیاهو مطرح شد - به عنوان عملی‌ترین مسیر پیش رو باشد: پایان جنگ، بازگرداندن گروگان‌ها (تعداد کمی که هنوز زنده هستند) و رفتن به انتخابات با سوار شدن بر بخار پیروزی در ایران و تصاویر در آغوش گرفتن اسیران بازگشته.

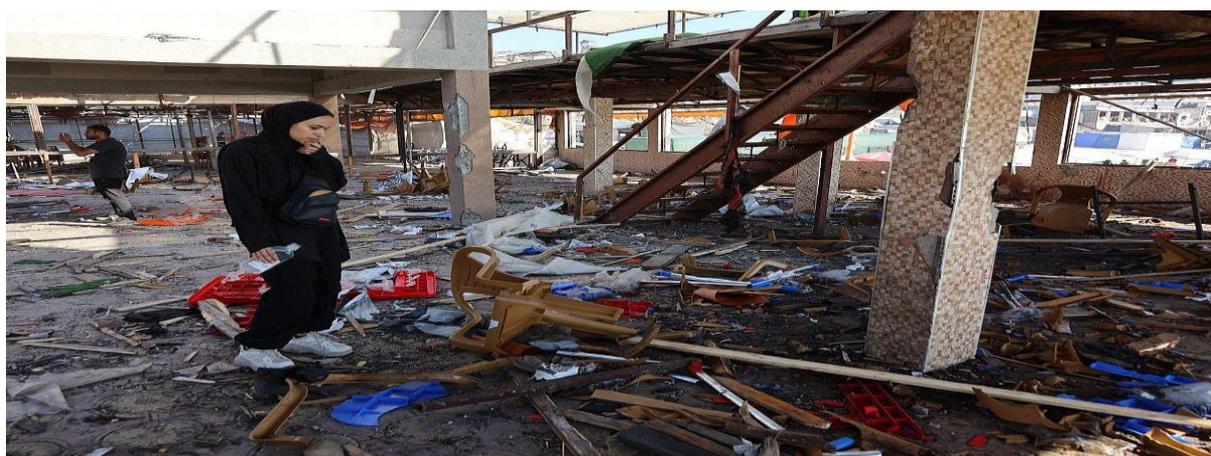
بیشترین بازدید در +972



« حوصله‌ام سر رفته، برای همین شلیک می‌کنم»: تایید خشونت آزادانه در غزه توسط ارتش اسرائیل



« اسطوخودوس»: دستگاه هوش مصنوعی که بمباران‌های اسرائیل در غزه را هدایت می‌کند



اهالی غزه پس از پرتاب بمب ۵۰۰ پوندی توسط نیروهای اسرائیلی در ۳۰ ژوئن ۲۰۲۵، از ویرانه‌های کافه البقا در شهر غزه بازدید می‌کنند. (عمر القطاع)

موتریچ و بن گویر احتمالاً از ائتلاف جدا می‌شوند. اما اگر نتانیا هو در انتخابات پیروز شود، آنها تقریباً مطمئناً به خاطر پیشبرد اصلاحات قضایی و الحاق کرانه باختری، باز خواهند گشت. این یک قمار چشمگیر و معکوس کردن تقریباً هر کاری است که نتانیا هو در 20 ماه گذشته انجام داده است. اما به طور متناقضی، احتمال چنین چرخشی ممکن است پس از پایان مبهم جنگ ایران افزایش یافته باشد.



مرون راپوپورت سردبیر نشریه لوکال کال است

. تیم ما از وقایع وحشتناک این جنگ اخیر به شدت متاثر شده است. جهان از حمله بی‌سابقه اسرائیل به غزه که منجر به ویرانی گسترده و مرگ فلسطینی‌های محاصره

شده شد، و همچنین حمله وحشیانه و آدم‌ربایی حماس در اسرائیل در ۷ اکتبر، در شوک فرو رفته است. قلب ما با همه مردم و جوامعی است که با این خشونت روبرو هستند

ما در دوران فوق‌العاده خطرناکی در رابطه اسرائیل و فلسطین هستیم. خونریزی به سطوح بسیار بالایی از وحشیگری رسیده و تهدید می‌کند که کل منطقه را فرا خواهد گرفت. شهرک‌نشینان جسور در کرانه باختری، با حمایت ارتش، از فرصت استفاده میکنند تا حملات خود را به فلسطینی‌ها تشدید کنند. راست‌گراترین دولت در تاریخ اسرائیل، با استفاده از پوشش جنگ برای ساکت کردن شهروندان فلسطینی و یهودیان چپ‌گرا که به سیاست‌های آن اعتراض دارند، در حال تشدید نظارت بر مخالفان است.

این تشدید تنش‌ها زمینه بسیار روشنی دارد، زمینه‌ای که +972 در 14 سال گذشته آن را پوشش داده است: نژادپرستی و نظامی‌گری فزاینده جامعه اسرائیل، اشغال و آپارتاید ریشه‌دار، و محاصره عادی غزه.

ما در موقعیت خوبی برای پوشش این لحظه خطرناک هستیم - اما برای انجام این کار به کمک شما نیاز داریم. این دوره وحشتناک، انسانیت همه کسانی را که برای آینده‌ای بهتر در این سرزمین تلاش می‌کنند، به چالش خواهد کشید. فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها در حال حاضر در حال سازماندهی و تدوین استراتژی برای مبارزه با مرگ خود هستند.

آیا می‌توانیم روی حمایت شما حساب کنیم؟ مجله +972 صدای رسانه‌ای پیشرو این جنبش است، بستری که به شدت مورد نیاز است تا روزنامه‌نگاران، فعالان و متفکران فلسطینی و اسرائیلی بتوانند با هدایت انسان‌گرایی، برابری و عدالت، آنچه را که اتفاق می‌افتد گزارش و تحلیل کنند. به ما بپیوندی



مرون

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

مرون سردبیر روزنامه لوکال کال است. مرون یک روزنامه‌نگار تحقیقی برنده جایزه با بیش از 30 سال سابقه در رسانه‌های اسرائیل، از جمله ریاست بخش خبری روزنامه هآرتص و سردبیری بزرگترین روزنامه آن زمان در کشور، یدیعوت آحرونوت، است.

گزارش‌های مهم او بارها و بارها مورد تقدیر قرار گرفته است، از جمله پوشش تحقیقاتی پیشگامانه اش از سرقت درختان زیتون از مالکان فلسطینی در طول ساخت دیوار حائل که جایزه بین‌المللی ناپولی برای روزنامه‌نگاری را به دست آورد. او همچنین یک فعال سیاسی قدیمی است. راپوپورت یکی از بنیانگذاران جنبش «زمین برای همه»

است که خواستار تأسیس دو کشور مستقل، اسرائیل و فلسطین، با مرزهای باز، آزادی
رفت و آمد و نهادهای مشترک است.

با تقدیم احترام «2025-07-05»
.....